

خاضر بیشتر به دنبال هدفهای قابل وصول‌تری هستند. چنانچه، بعنوان نمونه، گزارش مربوط بهکشور کانادا که حاکی است از اینکه: در دراز

از دورانی که بناثیر آموزش در زمینه جلوگیری از استعمال مواد مخدر توجهی نمیشد هنوز مدت زیادی نگذشته است. در آن هنگام کوشش‌ها و اقدامات متمرکز بروسایل دیگری نظیر تعقیب قانونی ومبارزه با قاچاقچیان بودیس از جنسگ توجه کارشناسان باین نکته جلب شد که باید از آموزش در حل این معضل یاری جست و بدیسن ترتیب آموزش در جهت پیشگیری آغاز گردید. از اولین کوششها در جهت تدوین تدابیسر و اقدامات آموزشی جدی تا کنون راه درازی پیموده شده است. شناخت بیشتر مسئله مواد مخدر در کشورهای صنعتی و تجارب مقدماتی گوناگون حاصل موجب تحکیم مبانی و تکنیکهای آموزش جهت پیشگیری گردیده است و بدون تردید این تحول باید ادامه یابد زیرا باوجود برخی پیشرفتها مسائل متعددی هنوز لاینحل مانده است.

در مورد آموزش در جهت پیشگیری چنین بنظر میرسد که تحولی در پاره ای از کشورها حاصل شده و همین تحول اثرات چشمگیری بر برداشتها و برنامه‌ها و روشها داشته است. در گذشته غالباً "هدف این بود که از استعمال مواد مخدر در کارهای غیر پزشکی ( و بدون ضرورت طبیی) پیشگیری یا بحداقل تقلیل داده شو دو لذا آموزش در این زمینه تنها یک شعار داشت: به مواد مخدر دست نزنید وهنوز هم این شعار هدف برنامه‌های بسیاری است.

امروزه تجربه نشان داده است که این هدف واهی است بویژه در جوامعی که عملاً "هیچگونه محدودیتی بر مصرف مشروبات الکلی ودخانیات وجود ندارد و بدین جهت کارشناسان در حال

## محمدکاری

دربار خطرات مواد مخدر

آموزش قبل ضرورت دارد

این قبیل اطلاعات ممکن است موجب تحریک حرکتکنجگای جوانان گردد و حتی امکان دارد بعنوان اعتراض به نسل بزرگسالان و ارزشهای مورد نایب آنان باین امر مبادرت نمایند. (نظر فوق مربوط به گزارشهای دوکشور اسپانیا و یوگسلاوی است). اینک رئوس نظرات مطروحه در گزارشات کشورهای دیگر :

نروژ: بعقیده مربیان آگاهی و اطلاع بهتیهائی از لحاظ انتخاب مواد مخدر کافی نیست.

استرالیا: بنظر میرسد که اطلاع و آگاهی سهمی اساسی از لحاظ حصول اهداف آموزش مربوط به مواد مخدر دارد ولی از نظر تغییر موضع و رفتار کافی نیست.

دانمارک: "نشر اطلاعات و آگاه ساختن افراد بیگناهوبی اطلاع، موجب تحریک حس کنجگای آنها نمیشود و آنان را باین که مادهای را تجربه کنند سوق نمیدهد."

بهرحال این نظر که از نشر اطلاعات برای ترسانیدن افراد از خطر مواد مخدر استفاده شود بمیزان زیادی جای خود را به استر اتژی دیگری داده است که بموجیان نشر اطلاعاتتنها بعنوان یکی از عوامل آموزشی در جهت پیگیری در نظر گرفته میشود. سهم اطلاعات در زمینه مواد مخدر بیش از پیش در مجموعههای ملحوظ میگردد که برخی آنها "آموزش عاطفی" مینامند که جنبه واحدی نداشته و به خصوصیات مربوط به فهم و ادراک محدود نبوده بلکه بهمجموع شخصیت مربوط میشود و لذا همانطور که در گزارش کشور فنلاند اشاره گردیده هدفایسن آموزش ساختن و رشد شخصیتی است که از لحاظ جسمی و روحی سالم باشد و بدین ترتیب محصلینی را که با شدت و ضعف در معرض خطر

مدت باید هدفهای واقع بینانهای را در مدنظر گرفت و عملی ساخت و در عین حال باید بترتیبی عمل کرد که افراد با عوارض و آثار مواد مخدر آشنائی منجزو روشنی داشته باشند. نویسنده گزارشراجع بکشور انگلستان همین نظر را با عبارت دیگری بیان کرده است بایسن مضمون: نتایج ارزشیابیهائی که در سراسر جهان بعمل آمده مبین آنست که هیچیک از روشهای آموزشی که میشناسیم تقلیل مصرف را تضمین نمیکند. تقلیل تقاضا مبنای منطقی برای بیان تاثیر آموزش نیست بلکه آموزش باید اثرات و عوارض منفی مصرف مواد مخدر را به حداقل برساند و ضمناً "کوشش برای یافتن مواد جایگزین که مثلاً "خطرشان نسبتاً کم باشد باید کنار گذاشته شود."

درباه اینکه محتوای آموزش در جهت پیشگیری چه باید باشد اتفاق نظر وجود ندارد ولی بهرحال یکی از مسائل اساسی نقش اطلاعات است. در گذشته آمار مربوط بمواد مخدر و اثرات آن هسته و حتی مجموع بسیاری از برنامههای آموزشی را تشکیل میداد و این برداشت براین فرض قرار داشت که این اطلاعات برای منصرف نمودن جوانان از مصرف مواد مخدر کافی است و توجه اساساً بر مواد جلب میشد اثرات و عوارض آنها غالباً بصورت تکان دهنده و بشکلی ترسآور نشان داده میشد تا بدین ترتیب افراد از مواد مخدر روگردان شوند.

در حال حاضر این طرز عمل مورد تایید متخصصین نیست زیرا معتقدند که آگاه ساختن فقط بمنظور آگاه ساختن امکان دارد بیش از آنکه سودمند باشد ضرر برساند. در گزارش یکی از کشورهای ضمن تایید این مطلب خاطر نشان شده است که

بهرحال چنین بنظر میرسد که توسل باین قبیل روشها در حال حاضر بیش از پیش زمینه پیدا میکند بعنوان مثال ضمن دستورالعملهایی که در فنلاند در خصوص آموزش بهداشتی داده میشود ( و شامل آموزش معطوف به جلوگیری نیز هست ) چنین اشعار گردیده است: " آموزش نظری صرف کافی نیست... تعلیمات مرتبط با تجاربی است که هر روز بجه بدست میآورد... روشهای متمرکز بر روی کودک باید بمرحله اجرا درآید. " نمونه دیگری از این روش متمرکز بر کودک در گزارش کشور سوئد عنوان گردیده است. در کشور مذکور مطالعه در گروههای کوچکی انجام میپذیرد و بمیزان زیادی توسط خود شاگردان سازمان داده میشود. بدین ترتیب که درس یا بحث در مورد فیلم یا موضوع دیگری آغاز و با مطالعه عناصر مشترک از نظر همه شاگردان و با کارهای انفرادی و گروهی ادامه یافته و با تنظیم گزارشها و تبادل نظر جدیدی پایان میپذیرد، در گزارش کشور بلژیک ضمن تاکید بر نقش گفت و شنود یادآوری میگردد که باید ترتیبی فراهم ساخت که محصلین مسئله را بترتیبی که درک و احساس میکنند بیان نمایند. گزارشی که توسط دولت استرالیا منتشر گردیده و حاوی اصول مورد اجرا در آن کشور بخصوص آموزش مربوط به مواد مخدر میباشد فهرستی در تکنیکهای آموزشی ارائه میدهد که از جمله شامل روشهای فعال متضمن بحث و تبادل نظر - سخنرانیها - بازیهای آموزشی - بحثهای گروهی و کاردرکمیتهها و... میباشد.

انجام تمرینهایی در مورد روشن ساختن ارزشها - حل مسائل و اتخاذ تصمیمهای مقتضی از نکاتی است که در گزارشها و مدارک متعددی ذکر شده است. کلیه این تکنیکها عناصر معمولی

قرار دارند در بر میگردد.

این برداشت افراد را در محیط اجتماعی فرهنگی خاص خودشان و بر محور تاثیر متقابل شخصیت و ارزشها در شرایط و احوالی که تصمیم در مورد مصرف مواد مخدر گرفته میشود در مد نظر میگیرد نکته دیگر اینکه اگر چه این برداشت جدید منبع الهام برنامههای متعددی است معذ لک برنامههای معطوف به پیشگیری که از گذشته با رث رسیده است بصورت موازی یا توأم عمل گردیده. در گزارش انگلیس خاطر نشان میگردد که اگر چه برنامهها معمولاً بر اصولی قرار دارند که برداشت عاطفی را مرجع میدانند در عین حال در برنامههای تعلیماتی از اطلاعات در مورد مواد مخدر بهره گیری میشود.

در کلاسها این برداشت توأم موجب بحثهایی میشود که بر محور مواد قرار دارد زیرا مریبان و شاگردان مخصوصاً " بسوی مسئله مواد مخدر و اثرات آنها کشانیده میشوند. البته برنامههای جدید هنوز دقیقاً " اجرا نمیشوند زیرا در سطح کلاس ابهام و سردرگمی در مورد اصول وجود دارد.

برداشت عاطفی مستلزم اتخاذ روشها و تکنیکهای آموزشی است که علاقمندی محصلین را برانگیزد و آنها را بصورت فعالی در زمینه تعلیم در آورد و ضمناً " این گرایش بوجود آمده است که از این برداشت در آموزش بطور کلی استفاده شود. این متدها که غالباً " روشهای فعال " نامیده میشوند در مواردی نظیر آموزش مسائل اخلاقی و مدنی که هدفشان تاثیر از لحاظ موضع گیری و رفتار میباشد بویژه سودمند تشخیص داده شده است.

مربیان .

در اکثر کشورها افزایش و سایل و تجهیزات ویژه تعلیمات فوق برنامه مشهود است از قبیل جزوهای اطلاعاتی - مقالات و آگهی در روزنامه‌ها و مجلات - اعلانات مصور - برنامه‌ها و پیامهای رادیویی - تلویزیونی . البته بخشی از این وسایل مختص گروه معینی است لیکن اغلب آنها میتوانستند مورداستفاده عموم قرارگیرد .

گروهی از کارشناسان معتقدند که نشر پارهای اطلاعات در خصوص مواد مخدر برای عموم چندان قرین مصلحت نیست بدلیل اینکه این کار ممکن است بیش از آنکه سودمند باشد ضرر برساند .

کارشناسان مذکور اعتقاد دارند که وسایل و اطلاعات را باید با خصوصیات و نیازهای گروههای ویژه منطبق ساخت و مواردی را انتخاب و منتشر نمود . مثلا گروههای زیر : کودکان نوجوانان - اولیا - کارگران - بزرگسالان و سالخوردگان - گروههای شغلی و حرفهای معین و غیره . بویژه باید خاطر نشان ساخت که در این نشریات جای مخصوصی به مسائل مربوط به مشروبات الکلی و دخانیات که در برخی از کشورها ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به مصرف مواد مخدر دارد اختصاص داده میشود . مثلا " در فنلاند سازمان دولتی که انحصار فروش مشروبات الکلی را در دست دارد برنامه اطلاعاتی گسترده‌ای جهت مصرف کنندگان آن مشروبات منتشر میسازد . و بدین ترتیب میکوشد زیاده روی در این زمینه را مهار نماید و موضع گیری افراد را تغییر دهد .



آموزش معطوف بر پیشگیری در این زمینه میباشد . روشن ساختن ارزشها - انتخاب بین نظرات مختلف پس از بررسی نتایج و عواقب هر یک از آنها موضعگیری در برابر مواد مخدر و اخذ تصمیم منطبق با منافع خود فرد و دیگران کمک میکند . این روش غالباً " مبتنی بر اوضاع و احوال است که فرد ذیعلاقه به انتخاب یکی از چند راه یعنی امتحان کردن - مصرف نمودن مواد مخدر یا امتناع از این راه سوق داده میشود .

این قبیل تمرینات شاگردان را در درک مسائل یا اختلاف ارزشها ( که بصورت یک فاجعه روحی و روانی ارائه میشود ) و نیز در اینکه خود را بجای اشخاصی فرار دهند که گاهی در شرایطی کاملاً متفاوت با وضع آنها زندگی میکنند کمک مینماید . تصمیم گیری که بطور کلی بر مسائل یا اختلافات فردی متمرکز میگردد و حل مسائلی که معمولاً " به صورت دستجمعی است شامل چهار مرحله اساسی است : طرح و تعریف مسئله یا موضوع مورد اختلاف - برشمردن راه حلها - بررسی عواقب و نتایج هر خط حرکت ممکن - تعیین رضایت بخش ترین راه حل برای فرد یا گروه .

از نظر وسایل آموزش و پرورش مناسب و امکانات کشورها بسیار متفاوتست . امکانات بعضیها نزدیک به صفر و برخی دیگر در حد وفور و خارج از اندازه است معذ لک تقریباً " در همه آنها افزایش تولید وسایل طی سالهای اخیر مشهود است .

در مورد آموزش در مدرسه علاوه بر اطلاعات مندرجه در جزوهای مطالعه مسائل مربوط به مصرف مواد مخدر در عده زیادی از کشورها و سایل کمکی تولید میشود نظیر : بروشورهای مصور ، جزوهای راهنمای بحث - اعلانات - فیلمها - ویدئو - جزوهای حاوی خلاصه چندین درس مخصوص